

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۴/۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۸/۲۲

از صفحه ۲۰۵ تا صفحه ۲۲۵

سید احمد هاشمی علی آبادی
عضو هیئت علمی دانشگاه شهید
بهشتی، نویسنده مسئول
seyedahmad53@gmail.com

محمد قنبری
کارشناسی ارشد موسسه اخلاق و
تربیت قم
m1.qanbari@gmail.com

نقش پرورش عزت‌نفس در کودکان بر شکل‌گیری هویت دینی با تکیه بر آیات و روایات

چکیده

عزت‌نفس و احساس ارزشمندی و احترام به خود، از مهم‌ترین ارکان سلامت روانی و شاخصه‌های تأثیرگذار و کاربردی در شکل‌گیری هویت دینی است که توجه به آن از اوایل کودکی، در امر تربیت و شکل‌گیری خودپنداره‌ی مثبت، نقش مؤثری دارد. معارف اسلامی نیز، احترام به خود و حس ارزشمندی را پایه‌ی رشد و تعالی الهی انسان می‌داند. پژوهش حاضر با روشی توصیفی-تحلیلی، به هدف دستیابی به نقش عزت‌نفس در شکل‌گیری هویت دینی کودکان، آیات و روایات مرتبط با موضوع را بررسی و تحلیل کرده است. پرسش اصلی پژوهش آن است که ایجاد و پرورش عزت‌نفس در دوران کودکی، چه نقشی در شکل‌گیری صحیح هویت دینی ایفا می‌کند؟ پژوهش حاضر ضمن بررسی مفهوم‌شناسی عزت‌نفس و هویت دینی و جایگاه این دو مقوله در معارف دینی، به دو نتیجه مهم دست یافت: الف. در شکل‌گیری هویت دینی نوجوانان، پرورش عزت‌نفس از زمان کودکی نقشی اساسی دارد؛ ب. در معارف اسلامی، توجه به کرامت انسانی و ایجاد حس ارزشمندی، راهکاری اساسی برای شکل‌دهی باورها و کنش‌های دین‌مدارانه به‌شمار می‌آید. از سوی دیگر، حس حقارت و نداشتن عزت‌نفس، انسان را به فساد باور دینی و نافرمانی در برابر فرمان‌های خداوند می‌کشاند که نتیجه‌ی آن، تزلزل اعتقادی، بروز رفتارهای ناسالم اجتماعی و رشد گرایش‌های حیوانی و پست در وجود انسان است؛ بنابراین، برای شکل‌گیری باورهای بنیادین اعتقادی، گرایش‌های متعالی و رفتارهای دین‌مدارانه، باید از کودکی عزت‌نفس و احساس ارزشمندی را در وجود فرد تقویت کرد و رشد داد.

واژگان کلیدی:

عزت‌نفس، کودک، هویت دینی، احساس ارزشمندی.

۱. بیان مسئله

بحران هویت، تغییر هویت، تعارض هویت و مشکلات ناشی از آن، ازجمله مسائل مهم گریبان‌گیر جامعه‌ی بشریت است که برابند دیدگاه مادی و بی‌توجهی به وحی و دین است. احساس پوچی، سردرگمی و بی‌ارزشی که از نتایج بحران هویت به‌شمار می‌رود، همواره فشارهای روانی و اختلال‌های شخصیتی و آسیب‌های اجتماعی بسیاری را ایجاد کرده است.

در این میان، نقش هویت دینی در سلامت فردی و اجتماعی بی‌بدیل است، به‌ویژه در نگاه دین‌شناسانی مانند الیاده که انسان را موجودی دینی معرفی می‌کنند (جوادی، ۱۳۸۴، ص ۱۳۶) و در نگاه برخی مفسران اسلامی که انسان را «حیّ متألّه» می‌دانند؛ یعنی موجود زنده‌ای که زندگی او در تأله وی تجلی دارد و تأله، همان ذوب شدن در ظهور ال‌هیّت است و این هویت انسان، تبدیل‌شدنی نیست؛ زیرا او در «احسن تقویم» و زیباترین صورت، آفریده شده است (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۳۱).

با شکل‌دهی هویت دینی، نخست می‌توان به سلامت روانی و درنهایت، به سعادت و کمال انسانی در زندگی سالم دست یافت و دوم، در مراحل رشد، به هویت‌های دیگر مانند هویت شغلی، تحصیلی، اجتماعی، خانوادگی نیز جهت داد. این بدان علت است که دین برنامه‌ای روشن‌دهنده و هدفمند برای همه‌ی مراحل و ابعاد زندگی در نظر دارد. اریکسون رسیدن به شناخت فلسفی در زندگی، تعهد مکتبی و هویت دینی را مهم‌ترین جنبه‌ی شکل‌گیری هویت می‌داند؛ زیرا مذهب، قدیمی‌ترین و دیرپاترین نهادی است که پابندی، تعهد و وفاداری به ایدئولوژی را تشویق می‌کند که بر اساس آن، بحران شکل‌گیری هویت، به‌طور موفقیت‌آمیزی حل می‌شود (شیرچی و دیگران، ۱۳۹۸، ش ۳، ص ۸۷).

ازاین‌رو، باید در تربیت کودک و آماده‌سازی مقدمات شکل‌گیری هویت دینی و سالم او، از مراحل آغازین بر مبنای دین اقدام کرد. در کلام وحی و معصومین^(ع)، بر اهمیت دوره‌های آغازین زندگی در رشد و تعالی انسان، تأکید بسیاری شده است. حضرت علی^(ع) می‌فرماید: «مَنْ لَمْ يَتَعَلَّمْ فِي الصَّغَرِ لَمْ يَتَقَدَّمْ فِي الْكِبَرِ» (همیمی آمدی، ۱۴۱۹، ص ۶۴۹)؛ کسی که در کودکی نیاموزد، هرگز در بزرگی اقدام [مثبتی] نخواهد کرد. «ضرورت و اهمیت اقدامات بنیادین تربیتی نیز به‌گونه‌ای است که امیرمؤمنان^(ع) برای پیشگیری از دو خطر قساوت دل و مشغول شدن عقل انسان به امور باطل، برای این اقدام تصمیم می‌گیرد و خطاب به فرزند خود، در نامه‌ی ۳۱ نهج البلاغه می‌فرماید: «إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِيثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أُلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ فَبَادَرَتْكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَقْسُو قَلْبُكَ وَ يَسْتَعْلِلَ لُبُّكَ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۷۰)؛ قلب کودک مانند زمینی خالی است که هر بذری در آن ریخته شود، می‌پذیرد؛ پس من به ادب آموختن تو اقدام کردم، پیش از آنکه قلبت قساوت پیدا کند و عقل تو مشغول شود.»

داده‌های روان‌شناسی نیز بر این باور اذعان دارد که هسته‌ی شخصیت افراد، در هفت سال اول زندگی، به‌صورت ناخودآگاه شکل می‌گیرد و تا پایان عمر، بر همان اساس و شالوده پیش می‌رود؛ بنابراین، توجه به ایجاد مقدمات و شاخصه‌های شکل‌دهی هویت در این سنین، برای همه‌ی

مراحل زندگی او بسیار مهم و اساسی خواهد بود، به باور گزل،^۱ «کودک در پنج سالگی، نسخه‌ی کوچک شخص جوانی است که بعداً خواهد شد» (باهنر، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۰).

بی‌توجهی به این مهم زمینه‌های شکل‌گیری و رشد رفتارهای ضد اخلاقی و ضد دینی را در کودک فراهم می‌سازد. آنچه مهم است توجه به عوامل تأثیرگذار در شکل‌گیری هویت دینی است. عزت‌نفس به معنای داشتن احساس ارزشمندی، از جمله عوامل مهم در ایجاد هویت دینی است. افرادی که عزت‌نفس مطلوبی دارند، سازگار، معاشرتی و وظیفه‌شناس هستند؛ در مقابل، عزت‌نفس پایین سبب مشکلات سازگاری در همه‌ی زمینه‌ها می‌شود (برک، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۷۱).

«کوئینک» احساس خودارزشمندی را یکی از نیازهای معنوی می‌شمارد (Koeing, H, G, 2008, p 25- 38) و برانندن در بیان اهمیت آن، ضمن مقایسه‌ی عزت‌نفس با نیاز به غذا، آن را نظام ایمنی آگاهی می‌داند که به انسان، مقاومت، توانمندی و قدرت بازسازی می‌دهد (برانندن، ۱۳۹۹، ص ۴۲-۴۳). تحقیقات فورنیر، گریف و هیمرن نیز این‌گونه نشان می‌دهد که میان معنویت و افزایش عزت‌نفس، ارتباط دوسویه و معنادار مثبتی وجود دارد (سالاری‌فر و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۱۸). این در حالی است که پژوهش‌های داخلی نیز، نقش عزت‌نفس و معنویت را در بهداشت و سلامت روانی و جسمی نشان می‌دهند (غلامی و بشلیده، ۱۳۹۰، ص ۳۳۱-۳۴۸ و فرهوش، ۱۳۹۷، ص ۶).

پرسش اصلی این پژوهش آن است که پرورش عزت‌نفس و احساس ارزشمندی، چه نقشی در شکل‌گیری هویت دینی کودکان دارد؟

۲. پیشینه‌ی پژوهش

درباره‌ی عزت‌نفس و نیز هویت دینی، کتب و مقالات ارزشمندی نوشته شده است. درباره‌ی هویت دینی به صورت خاص، می‌توان به کتاب هویت دینی جوانان (پژوهش‌کنده علمی کاربردی باقرالعلوم، ۱۳۹۰) و نیز کتاب هویت دینی جوانان و آموزه‌های چالش‌برانگیز معاصر (سجادی، ۱۳۹۱) و مقالات مرتبط با هویت دینی مانند: «رابطه‌ی ساده و چندگانه‌ی هویت دینی و سلامت روان و خوش‌بینی» (کریم نژاد، ۱۳۹۲) و «تأثیر فضای مجازی بر هویت دینی» (بذرافشان، ۱۳۹۲) و «رابطه‌ی هویت دینی و سرمایه اجتماعی» (گنجی و همکاران، ۱۳۸۹) و «ثرات فردی- اجتماعی هویت دینی با تأکید بر معارف قرآن کریم و روایات» (شکرپیگی، ۱۳۹۹) و «بررسی تطبیقی هویت ملی و دینی دانش آموزان و عوامل مؤثر بر آن» (علیزاده اقدم، ۱۳۸۶) اشاره کرد. درباره‌ی عزت‌نفس به صورت خاص نیز، آثاری مانند کتاب روانشناسی عزت‌نفس (برانندن ناتانیل با ترجمه‌ی مهدی چراچه‌داغی، ۱۳۹۹) و مقالات مرتبط با این حوزه همچون: «تأثیر عزت‌نفس بر اضطراب اجتماعی» (بی‌کس یکانی، ۱۳۹۹)، «رابطه‌ی عزت‌نفس با اضطراب اجتماعی» (مهودی، ۱۳۹۸) و «عزت‌نفس و احکام فقهی آن» (علوی، ۱۳۹۸) و نیز «عزت‌نفس و تأثیر تربیتی آن از دیدگاه قرآن و حدیث» (نیلی و همکاران، ۱۳۹۴) از این دست پژوهش‌هاست؛ اما پژوهش حاضر، ضمن اذعان به انجام

1- Gesell.

پژوهش‌های سودمند در قالب کتاب و مقالات علمی در این دو حوزه، به صورت مجزا، به تأثیر متغیر عزت‌نفس در شکل‌گیری و تقویت هویت دینی می‌پردازد که کاری ناشده و نو است. البته مردانی و موحد، در پژوهشی پیمایشی با عنوان «مطالعه رابطه‌ی دین‌داری و عزت‌نفس در زنان متأهل شیرازی»، به رابطه‌ی دین‌داری و عزت‌نفس در جامعه‌ی آماری مورد پژوهش پرداخته‌اند و در نتایج حاصله، به تأثیر معنادار افزایش دین‌داری در عزت‌نفس پی برده‌اند. در پژوهش توصیفی دیگری تحت عنوان «پیوند والدینی و عزت‌نفس در پیش‌بینی سبک‌های هویت دینی نوجوانان»، شیرچی و همکارانش دریافته‌اند که میان عزت‌نفس و دو مؤلفه‌ی واکنش‌پذیری و گریز عاطفی پیوند والدینی و هویت دینی موفق، ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد؛ اما هر دو پژوهش یادشده، نخست با نگاهی روان‌شناختی و تربیتی موضوع را بررسی کرده‌اند و دوم، درباره‌ی نقش پرورش عزت‌نفس در شکل‌گیری و تقویت هویت دینی، آن‌هم از نگاه آیات و روایات، به موضوع ننگریسته‌اند که رسالت پژوهش حاضر است.

۳- مفهوم شناسی عزت‌نفس

واژه‌ی عزت‌نفس در صدر اسلام رایج نبوده و در لغت‌نامه‌های عربی-عربی معاصر مانند المنجد و معجم الوسیط نیز نیامده است. در زبان فارسی، نفس به معنای شخص انسان، ذات، حقیقت هر شیء، روان؛ و عزت به معنای ارجمندی، سرافرازی، عظمت و بزرگواری است و عزت‌نفس به معنای مناعت و شرافت آمده است (معین، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۴۷۷۳ و دهخدا، ۱۳۷۳، ذیل واژه عزت ج ۱۰، ص ۱۵۸۶). عزت در زبان عربی، بر شدت، قوت و مانند آن، از غلبه و چیرگی و برتری دلالت می‌کند و به معنای سرسختی گفته شده است. عزت حالتی است که مانع می‌شود انسان شکست بخورد و عزیز کسی است که غلبه می‌کند و شکست نمی‌خورد (راغب اصفهانی ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۵۶۳ و طریحی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۲۷ و ۲۶). با تکیه بر آرای لغت‌شناسان می‌توان گفت: عزت‌نفس در لغت، یعنی حالتی که شخص خودش را قدرتمند و شکست‌ناپذیر می‌داند و به آسانی، خواری و ذلت نمی‌پذیرد. معادل لاتینی این واژه «self-esteem» است که در بیشتر مقالات علمی پژوهشی در روان‌شناسی و علوم تربیتی، به «عزت‌نفس و حرمت خود» معادل‌یابی شده است که از واژه‌ی لاتین «aestimare» به معنی «سنجش، ارزش‌گذاری، تخمین یا ارزیابی» ریشه می‌گیرد (نیلی، نظری و موسوی، ۱۳۹۴، ص ۱۵۱-۱۵۳). اصطلاح عزت‌نفس، یعنی اینکه فرد چقدر خودش و توانمندی‌هایش را ارزشمند می‌شمارد و توانایی مقابله با چالش‌های آینده را در خود می‌بیند. به علاوه، عزت‌نفس بُنیانی احساسی است که به طرز فکر، احساسات و نوع برخورد افراد در ارتباط با خودشان و دیگران شکل می‌دهد و به عبارتی، مستقیماً بر مناسبات فردی و اجتماعی اثر می‌گذارد. عزت‌نفس از تجارب زندگی، به‌ویژه در سنین پایین‌نشأت می‌گیرد. این تجارب حسّاس، تعیین‌کننده‌ی احساس خودارزشی فرد در درازمدت به‌شمار می‌روند. امیدی از زبان اسکواپر، عزت‌نفس را عنصر اصلی موفقیت در عرصه‌ی زندگی می‌داند که بر رفتارها، انتخاب‌ها و تصمیمات انسان تأثیر می‌گذارد و در صورت پائین بودن آن، مشکلات هیجانی و رفتاری در افراد پدید می‌آید (امیدی و دیگران، ۱۳۹۷، ص ۲۸).

به گفته‌ی برخی از پژوهشگران، دو مفهوم «خودکارآمدی» و «احساس ارزشمندی» جزء متغیرهای اصلی عزت‌نفس است. خودکارآمدی، یعنی اینکه فرد بداند برای رسیدن به اهداف خود، توانمندی لازم را دارد و احساس ارزشمندی، یعنی فرد صرف‌نظر از همه‌ی شرایط و مقایسه با دیگران، خود را به صرف انسان بودن با هرگونه شرایطی، دارای شایستگی و ارزشمندی بداند و از سوی دیگر، صرف‌نظر از اینکه دیگران چه شکل و چه وزن و چه مقدار پول و... دارند، به حکم انسان بودن، آنان را ارزشمند و قابل‌احترام بداند (سلامت، ۱۳۹۷، ص ۵۴). برخی نیز تعامل ابعاد روان‌شناختی و معنوی آدمی، در ایجاد نگرش‌های مثبت و سازگاری را مؤثر دانسته‌اند (گودرزی، سهرابی و فرخی، ۱۳۹۱، ص ۶۳-۷۶) و برخی دیگر نیز، ارزیابی مثبت فرد از خویش و احساس ارزشمندی نفس را راه نیل به فضایل اخلاقی می‌دانند (آذربایجانی و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۱۲۸).

به‌هرحال، عزت‌نفس با بسیاری از متغیرهای شناختی، هیجانی و رفتاری ارتباط بالایی دارد. علاوه بر این، شکل‌گیری هویت کاملاً یکپارچه، در گرو وجود عزت‌نفس است و از سوی دیگر، عزت‌نفس مثبت به حفظ پیوستگی، با وجود انتقالات رشدی و نوسانات زندگی، کمک فراوانی می‌کند (فرهوش، ۱۳۹۷، ص ۶).

درنهایت، وجود احساس ارزشمندی خود در مراحل ابتدایی رشد، سبب شکل‌گیری شخصیتی منسجم و سالم می‌شود و احساس ثبات، فردیت و هدفمندی به وی می‌دهد و شخص را در به دست آوردن شخصیت دین‌دار، بهنجار و عامل به ارزش‌های اخلاقی یاری خواهد کرد.

برخی از پژوهشگران، عزت‌نفس پائین را جزء عوامل زمینه‌ای شخصیتی، در بروز رفتارهای انحرافی همچون مصرف مواد مخدر می‌دانند که سبب می‌شود فرد با کوچک‌ترین بحران، دچار اضطراب، ناامیدی و افسردگی گردد (کرمی و رفیعی، ۱۳۹۷، ص ۲۶۳). افرادی که عزت‌نفس بالایی دارند، از آنچه هستند، راضی و خشنودند. چنین افرادی برای اینکه حس خوبی درباره‌ی خودشان پیدا کنند، هیچ نیازی به مصرف مواد مخدر یا روی آوردن به رفتارهای پرخطر نمی‌بینند و به عوامل خارجی مانند پُست و مقام یا درآمد بالا وابسته نیستند. افراد دارای عزت‌نفس، به خودشان، دیگران و محیط اطرافشان احترام می‌گذارند. انعطاف‌پذیری ازجمله ویژگی‌های بارز این افراد است؛ به این معنی که به‌آسانی قادرند خودشان را از ناامیدی‌ها و شکست‌ها بیرون بکشند. چنین افرادی از پیشرفت و تحول استقبال می‌کنند، اهل مدارا هستند و به‌راحتی خشنود می‌شوند. عزت‌نفس بالا موجب می‌شود فرد راحت‌تر بتواند ببخشد و پذیرای خود و دیگران باشد. این عامل در بعد اجتماعی، تعدیل‌کننده‌ی فشار روانی اجتماعی است که بر زمینه‌های روابط خانوادگی، تعامل‌های اجتماعی، عملکرد تحصیلی، اضطراب امتحان، احساس خودارزشمندی کلی و ادراک شایستگی مبتنی است (مردوخو و دیگران، ۱۳۹۸، ص ۳۹).

۴- جایگاه عزت‌نفس در معارف دینی

عزت‌نفس در تعریف دینی، یعنی فرد خودش را بنده‌ی ارزشمند خداوند بداند و در مسیر نزدیکی به خداوند، احساس توانمندی کند، بفهمد با تلاش می‌تواند به‌مراتب بالای معنویت و قرب

خدا دست یابد (فروهوش، ۱۳۹۷، ص ۹۸).

در نگاه تربیتی اسلام، مفهوم «حرمت خود» (مجموعه ارزشیابی و قضاوت‌هایی که فرد درباره‌ی خود دارد)، مناسب‌ترین عبارت برای معنای واژه‌ی عزت‌نفس است.

بر اساس آنچه در تعریف لغوی گفته شد، از دیدگاه اسلام، عزت‌نفس عبارت است از حالت شکست‌ناپذیر و توان مقاومت در برابر سختی‌ها و مشکلات و نپذیرفتن ذلت در موقعیت‌های دشوار زندگی که در اثر نوعی عملکرد در انسان پدید می‌آید و داشتن این حالت، سبب برتری فرد از دید خود و دیگران می‌شود؛ بدین علت، افرادی که در برابر سختی و مشکلات مقاوم و سرسخت هستند، می‌توانند در موقعیت‌های گوناگون، خود را حفظ کنند و به پیروزی و سربلندی نائل شوند. شخصی که عزت‌نفس دارد، از چنان شخصیت معنوی محکم و قدرت روحی بالایی برخوردار است که نمی‌توان او را تحت تأثیر قرار داد و بر او غلبه کرد (شجاعی، ۱۳۸۷، ص ۵۰).

با توجه به آیات، احادیث و روایات فراوانی که درباره‌ی نفس و حالات آن وارد شده است، در اسلام از حرمت خود، عزت‌نفس و عنوان احترام به خود، با بیان جملاتی یاد شده است که نشانه‌ی کرامت انسان است.

اسلام، محور و پایه‌ی همه‌ی تعلیمات اخلاقی خود را بر عزت و کرامت نفس نهاده و در آموزه‌های دینی، روی هیچ موضوعی به این اندازه تکیه نکرده است (مطهری، ۱۳۷۲، ص ۱۶۸). اسلام هر چیزی را که زمینه‌ساز ذلت باشد، از جمله تقاضا و درخواست از اشخاص و یا هر عملی را که کمترین رابطه‌ای با خوار شدن انسان داشته باشد، نهی کرده است، با این نگاه که عزت‌نفس از درون انسان سرچشمه می‌گیرد و تنها پس از شناسایی، پذیرش و احترام نهادن به هسته اصیل خویش است که فرد می‌تواند به آن دست یابد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۴، ص ۱۶۹-۱۷۰).

قابل‌توجه اینکه در بعضی از آیات قرآن و از جمله در آیه‌ی ۱۰ سوره‌ی فاطر، عزت منحصراً از آن خدا شمرده شده است و در آیات یاد شده می‌افزاید: «و از آن رسول او و مؤمنان است؛ زیرا اولیاء و دوستان خدا نیز (مونه‌ی کوچکی) از عزت او را دارند و به او متکی هستند.»

توجه دادن انسان به مقام و موقعیت و ارزش او، در سراسر قرآن موج می‌زند، به‌گونه‌ای که پرورش عزت‌نفس، راهبردی تربیتی برای شکل‌دهی هویتی الهی از نگاه قرآن است.

انسان در قرآن، تنها موجودی است که خداوند در آفرینش او، خود را ستوده است: «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (مؤمنون: ۱۴) و همه چیز را به تسخیر او درآورده: «سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ» (لقمان: ۲۰) و در آفرینش، او را به بهترین وجه خلق کرده است: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ» (تین: ۴) و فرشتگان را امر کرده تا بر او تعظیم کنند: «وَ إِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ» (بقره: ۳۴)؛ همچنین تاج کرامت را که مخصوص خود اوست (مؤمنون: ۱۱۶ و انفطار: ۶)، از میان همه‌ی موجودات، به انسان داده است. خداوند می‌فرماید: «ما آدمی‌زادگان را گرامی داشتیم...»

و آنان را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کردیم، برتری بخشیدیم و انواع فضیلت‌ها و کرامت‌ها را به او مرحمت کردیم؛ وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَا هُمْ فِي الْبُرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء: ۷۰). قرآن، تحقیر و توهین به کرامت انسانی را

سیره‌ی فرعون‌ی می‌داند: «فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَاَطَاعُوهُ» (زخرف: ۵۴).

کرامت انسان به سبب وجود عنصر ملکوتی و نفخه‌ی روح الهی در انسان است: «نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» (حجر: ۲۹). روح خدا در او دمیده شد؛ از این رو، سزاوار جانشینی خداوند در روی زمین گردید: «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره: ۳۰).

از نگاه خداوند، انجام گناهان و مبتلا شدن به پستی‌ها نیز، خود اثر نداشتن عزت نفس است و بر حقارت بیشتر می‌افزاید: «وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ مِثْلَهَا وَتَرَهُمْ ذُلًّا مَّا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ كَأَمَّا أَغْشَيْتُمْ وُجُوهَهُمْ قَطَعَا مِنَ اللَّيْلِ مَظْلِمًا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (یونس: ۲۷)؛ کسانی که مرتکب بدی‌ها شدند، کیفر بدی، مانند همان بدی است. آنان را ذلتی فوق تصور فرامی‌گیرد. برای آنان هیچ نگه‌دارنده‌ای از عذاب خدا نیست، گویی چهره‌هایشان با پاره‌هایی از شبِ تاریک پوشیده شده است، آنان اهل آتش‌اند و در آن جاودانه‌اند.»

تذکر قرآن به کرامت ذاتی انسان و التفات شخص بر این جنبه، انسان را برمی‌انگیزاند که به اصول اخلاقی همچون صداقت، عدالت، ایثار و غیره پایبند باشد تا به این حس ارزشمندی و کرامت ضربه نخورد و در صورتی که این مفاهیم اخلاقی، به کرامت انسان ضربه بزند، انسان می‌تواند از آن دست بکشد. در روایتی، امیرمؤمنان^(ع) می‌فرماید: «خویشتن را از عذرخواهی بی‌نیاز داری، بهتر است از اینکه با راستی و صدق، به ذلت عذرخواهی تن دردهی» (شریف رضی، ۱۴۱۴، ص ۵۳۳).

در روایات اسلامی نیز، تأکید بر این مسئله، به‌وفور به چشم می‌خورد؛ تا آنجا که در دستورات مهم روایی آمده است که مؤمن نباید وسایل ذلت خود را فراهم سازد، خدا خواسته است او عزیز باشد و برای حفظ این عزت، بایستی تلاش کند. در حدیثی از امام صادق^(ع) در تفسیر آیه‌ی «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» (فاطر: ۱۰) آمده است: «إِنَّ اللَّهَ قَوَّضَ إِلَى الْمُؤْمِنِ أُمُورَهُ كُلَّهَا وَ لَمْ يُفَوِّضْ إِلَيْهِ أَنْ يَكُونَ ذَلِيلًا أَمَا تَسْمَعُ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ - وَ لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ فَأَلْمُؤْمِنُ يَكُونُ عَزِيزًا وَ لَا يَكُونُ ذَلِيلًا قَالَ إِنَّ الْمُؤْمِنَ أَعَزُّ مِنَ الْجَبَلِ لِأَنَّ الْجَبَلَ يُسْتَقَلُّ مِنْهُ بِالْمَعَاوِلِ وَ الْمُؤْمِنَ لَا يُسْتَقَلُّ مِنْ دِينِهِ بِشَيْءٍ» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۱۷۹)؛ خداوند همه‌ی امور مؤمن را به خود او واگذار نموده؛ اما به او واگذار نکرده است که ذلیل باشد. آیا سخن خدا را نشنیده‌ای که می‌فرماید: "عزت از آن خدا و رسول او و مؤمنان است؛ اما منافقان نمی‌دانند؟" پس مؤمن همیشه عزیز است و ذلیل نیست. مؤمن از کوه محکم‌تر و پربلایب‌تر است؛ زیرا ممکن است کوه را با کلنگ‌ها تخریب کرد؛ اما چیزی از دین مؤمن هرگز جدا نمی‌شود.» در حدیث دیگری، ایشان می‌فرمایند: «لَا يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يُذَلَّ نَفْسَهُ قِيلَ لَهُ وَ كَيْفَ يُذَلُّ نَفْسَهُ قَالَ يَتَعَرَّضُ لِمَا لَا يُطِيقُ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۶۴)؛ سزاوار نیست مؤمن خود را ذلیل کند، سؤال شد: چگونه خود را ذلیل می‌کند؟ فرمود: به سراغ کاری می‌رود که از او ساخته نیست!

امام کاظم^(ع) نیز در قدر و منزلت انسان چنین می‌فرماید: «إِنَّ أَعْظَمَ النَّاسِ قَدْرًا الَّذِي لَا يَرَى الذُّبْيَا لِنَفْسِهِ حَظْرًا» (همان، ج ۱، ص ۱۳)؛ بالاترین مردم از نظر قدر و منزلت، کسی است که دنیا را بهای خود نمی‌داند.»

این در صورتی اتفاق می‌افتد که انسان بهای خویش را به بیان امیرمؤمنان^(ع)، تنها و تنها بهشت بداند و

حاضر به معامله‌ی آن به غیربہشت نباشد (شریف رضی، ۱۴۱۴، ص ۵۵۶)؛ زیرا خداوند او را موجودی فناپذیر قرار داده است: «ما خلقتم للفناء بل خلقتم للبقاء» (ابن بابویه، ۱۴۱۴، ص ۱۴) و آن که ارزش خود را باندن و نفسش برایش ارزشمند باشد، دنیا و پستی‌ها برایش کوچک و دورانداختنی است، همان‌طور که حضرت فرمودند: «مَنْ كَرَمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هَانَتْ عَلَيْهِ الدُّنْيَا» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۲۷۸)؛ هر کس نفسش کریم باشد [عزت نفس داشته باشد]، دنیا برای او خوار و کوچک می‌شود» و این نشان می‌دهد که عزت نفس، آرامش و خودکنترلی می‌آورد تا شخص به راحتی با امیال خود مبارزه کند.

علاوه بر این، در روایات آمده است که کسی، جز انسان پست و فرومایه تکبر نمی‌کند: «مَا تَكَبَّرَ إِلَّا وَضِيعٌ» (لیثی واحدی، ۱۳۷۶، ص ۴۷۵). همان‌طور که شیطان به سبب احساس خواری که در برابر آدم پیدا کرد، در مقام جبران این بی‌ارزشی خود تکبر کرد و به گناه افتاد و برای همیشه سقوط کرد و با این بیان، می‌توان نتیجه گرفت: ابتدای هر گناه و عمل نابهنجار، احساس بی‌ارزشی و خفت در فرد است؛ زیرا شخصیت‌های دچار عزت نفس پایین و بی‌اعتمادی به خود، معمولاً دچار خودبرتری بینی نسبت به دیگرانند و با کوچک کردن دیگران، به دنبال جبران این احساس خفت هستند.

آسیب‌های نبود عزت نفس نیز در روایات بیان شده است؛ به عنوان نمونه، پیامبر^(ص) ریشه‌ی دروغ‌گویی را در پستی نفس انسان دروغ‌گو می‌داند: «لَا يَكْذِبُ الْكَاذِبُ إِلَّا مِنْ مَهَانَةِ نَفْسِهِ» (مفید، ۱۴۱۳، ص ۲۳۲)؛ دروغ نمی‌گوید، مگر به سبب حقارتی که در نفس احساس می‌کند و نفاق و دوچهرگی که از آفات حقارت نفس و احساس بی‌ارزشی است، همان‌گونه که امیرمؤمنان علی^(ع) فرمودند: «دوچهرگی ناشی از احساس ذلت و خودکم‌بینی است» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۷۲۲).

پس روایات نیز، آثار مثبت عزت نفس و آسیب‌های حس ذلت را برمی‌شمارند و اثر آن را به وجود آمدن شخصیتی متعادل، متعالی و خالی از هرگونه نابهنجاری می‌دانند و ذلت نفس را منشأ گمراهی و حیرانی در هویت خود می‌دانند.

۵- پرورش عزت نفس در کودکان

نتیجه‌ی مطالب بیان‌شده تاکنون، از جایگاه مهم عزت نفس در شکل‌گیری شخصیت سالم در انسان نشان دارد که شالوده‌ی آن در دوران کودکی و از سوی پدر و مادر با روش‌های صحیح تربیتی، ازجمله روش الگوسازی پایه‌ریزی می‌شود. کوپر اسمیت^۱ می‌نویسد: پسرانی که از عزت نفس بالایی برخوردارند، معمولاً پدر و مادرشان اعتمادبه‌نفس خوبی دارند. این نوع والدین، از ثبات هیجانی و اتکای به خود برخوردارند و در پرورش و تربیت فرزندان، توافق کاملی میان آنان و فرزندانشان مشاهده می‌شود (آذربایجانی و دیگران، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۸۵۵). درحالی‌که او رابطه‌ی معناداری میان عواملی از قبیل ثروت خانوادگی، تحصیلات، مکان زندگی، طبقه اجتماعی، شغل پدر و یا حضور دائمی مادر در منزل و عزت نفس نمی‌یابد، درعین حال، چهار عامل را در تحول عزت نفس کودک مهم

1- C.Smith

می‌داند: الف. ارزشی که کودک از سوی دیگران و از طریق ابراز مهر و محبت، تحسین و توجه دریافت می‌کند؛ ب. تجربه‌ی همراه با موفقیت کودک؛ ج. تعریف شخصی کودک از موفقیت و شکست؛ د. شیوه‌ی کودک در ارتباط با بازخورد منفی یا انتقاد (برانندن، ۱۳۹۹، ص ۱۹۱).

روایاتی نیز در این باره وجود دارد که ارزش دادن به فرزندان و حفظ کرامت آنان، از جمله وظایف مهمی است که برای والدین برمی‌شمارد. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا آدَابَهُمْ (بروجردی، ۱۳۸۶، ج ۲۶، ص ۸۵۰)؛ به فرزندان خود نیکی کنید و آنان را به خوبی ادب کنید.»

تقدّم تکریم و ایجاد عزت‌نفس در کودکان بر حُسن ادب، خود نشانگر اهمیت و ارزش‌گذاری بر شخصیت انسان در مراحل کودکی است که زیربنای تربیت صحیح خواهد بود.

امام رضا (ع) نیز وزن احترام و ادب در معاشرت با کودکان را همانند معاشرت با بزرگسالان می‌داند و بر این امر تأکید دارد: «أَجْمِلْ مَعَاشِرَتَكَ مَعَ الصَّغِيرِ وَ الْكَبِيرِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۳، ص ۱۶۷) و این مسئله آنقدر مهم است که پیامبر اسلام (ص) با آن شخصیت و عظمت الهی، به کودکان سلام و احترام می‌کردند.

در باب سیره‌ی اهل‌بیت و اهمیت احترام و تکریم کودکان، روایات بسیاری وجود دارد که از حیطة‌ی این مقاله بیرون است اما آنچه می‌توان از مجموعه روایات دریافت، این است که پرورش عزت‌نفس و احترام و احساس ارزشمندی، از کودکی شروع می‌شود تا آثار این عزت در طول عمر دیده شود.

در کنار پذیرش بدون شرط کودک و احترام و ارزش نهادن به او، باید بذر مسئولیت‌پذیری را از همان کودکی در نهاد کودک کاشت تا در آینده، در قبال مسئولیت‌های دینی، اخلاقی و اجتماعی دچار مشکل نگردد؛ زیرا مسئولیت‌پذیری زیربنای عزت‌نفس است و این همان تربیت دینی است که نتیجه‌ی آن پرورش عزت‌نفس خواهد بود و به دنبال آن، آثار خارق‌العاده‌ای در سلامت و تعادل شخصیت نوجوان شکل می‌گیرد (نوروزی و بدیعیان، ۱۳۸۸، ص ۲۳۵). ثمره‌ی این تربیت دینی و پرورش عزت‌نفس کودک، شکل‌گیری انسانی است که برای خود حرمت، شرافت و شخصیت قائل است و بزرگواری خود را در همه‌حال حفظ می‌کند و این یکی از اهداف مهم تربیت است که انسان به‌گونه‌ای تربیت شود که اعتلای روحی بیابد و خود را از پستی و فرومایگی رها سازد و این از ابعاد انسان الهی است (جوادی آملی، ۱۳۶۹، ص ۲۱-۲۳).

حاصل این نوع تربیت، انسانی با عزت‌نفس و شخصیتی باصلابت است که در برابر سختی‌ها می‌ایستد و به تباهی و سستی کشانده نخواهد شد که یا راهی برای برون‌رفت خواهد یافت و یا راهی خواهد ساخت.

۶- هویت دینی

هویت در لغت عبارت است از هستی، وجود و آنچه سبب شناسایی شخص باشد. هویت به معنی حقیقت جزئیة آمده است؛ یعنی هرگاه ماهیت با تشخص در نظر گرفته شود (معین، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۵۲۲۸). دهخدا، هویت را نزد حکیمان و متکلمان «تَشَخُّص» دانسته است و در ادامه، هویت را بر وجود خارجی

تطبیق می‌دهد (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱۴، ص ۲۰۸۶۶).

این واژه در اصطلاح، به معنای خودِ اساسی و مستمر فرد، مفهومی درونی و ذهنی از خویش به‌عنوان یک شخص است (پورافکاری، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۷۱۹).

اریک اریکسون^۱ درباره‌ی «هویت خود»،^۲ به احساس هویت اشاره می‌کند که توانایی تجربه‌ی «خود» را به‌عنوان پدیده‌ای مداوم و یکنواخت دارد و توانایی انجام رفتاری هماهنگ با آن را فراهم می‌کند (برک، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۴۸۷). برخی دیگر، در تعریف اصطلاحی، به این نکته اشاره کرده‌اند که هویت، برداشت سازمان‌یافته‌ای از خود است که از ارزش‌ها، عقاید و اهدافی تشکیل می‌شود که فرد، خود را نسبت به آنها متعهد می‌داند (همان). در مطالعه‌ای، جنیفر نشان داد عواملی همچون تجارب خانوادگی از جنگ و درگیری با تجارب حاشیه‌نشینی و مذهب، در شکل‌گیری هویت کودکان مؤثر است (Jennifer Johansen, 2000, p 1-9).

هویت دینی را می‌توان مجموعه‌ای شناختی، اعتقادی و روانی شامل ارزش‌ها، هنجارها، باورها، احساسات، نمادها، طرز تلقی‌ها و آگاهی‌های مختص به یک خود فردی - اجتماعی دانست که حول یک محور غایی (مفهوم مقدس) سازمان‌یافته است و با اثرگذاری بر کنش‌های اجتماعی، از یک سو، سبب همبستگی و انسجام درون‌گروهی (درون دینی) در میان اعضای گروه (دین‌داران) می‌شود و از سوی دیگر، موجبات تمایزات «برون‌گروهی» (برون دینی) را با دیگر افراد و گروه‌ها فراهم می‌آورد (رتوفی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۵).

از آنجاکه در شکل‌گیری هویت دینی هر فرد، سه بعد شناخت، انگیزش و رفتار او باید در نظر گرفته شود، با مراجعه به آیات نورانی قرآن می‌توان کاملاً به طرح قرآن در هویت دینی انسان دست یافت. آیات نورانی قرآن، ابتدا در مکه، شالوده‌ی اعتقادی و بنیادین فکری را درباره‌ی مبدأ و معاد پایه‌ریزی می‌کند و سرانجام در مدینه، دستورات اجتماعی و روش رسیدن به سعادت را پیش روی بشریت می‌نهد.

هویت دینی به علت ماهیت و محتوایی که دارد، تقریباً مهم‌ترین بُعد هویت است که نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در هویت‌یابی کامل افراد دارد و می‌توان ادعا کرد که این بُعد از هویت، سبب دوام و قوام سایر ابعاد دیگر می‌شود و از سوی دیگر، چالش در این حوزه می‌تواند زمینه‌ساز بحران در سایر ابعاد هویتی گردد (نوروزی، ۱۳۹۴، ص ۸).

قرآن کریم سه عنصر اساسی اعتقاد، اخلاق و اعمال را از ارکان سازنده هویت انسان می‌شمارد و شخصیتی که پایمان باشد و اخلاق الهی را در جان خود پیاده کند و بر پایه‌ی آن ایمان و اخلاق عمل نماید، در حقیقت، هویت واقعی و انسانی خویش را پیدا کرده است (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ص ۳۳۷). علاوه بر این، گرایش به پرستش از نیازهای فطری آدمی در نگاه قرآن است؛ به این معنا که فرد، مستقل از هرگونه یادگیری، تمایل به عبادت و بندگی خدا را در درونش احساس می‌کند و

1- A. Arekson.

2- Identity ego.

مجموعه‌ای این مفاهیم، همان هویت دینی است. هویت دینی را می‌توان با آثار و فواید آن نیز معنا کرد. اولین و مهم‌ترین دستاورد این هویت، یافتن پاسخ برای پرسش‌های بنیادین و عمیق آدمی است؛ پرسش‌هایی که اگر بی‌پاسخ بمانند، بحران هویت و مشکلات پس از آن، انسان را دچار سردرگمی می‌کند.

معنا بخشیدن به جهان، یکی دیگر از آثار هویت دینی است. ویلیام جیمز در تحلیل نقش دین می‌نویسد: هنگامی که خدا را در همه چیز ببینیم، در پست‌ترین چیزها، عالی‌ترین حقایق را در خواهیم یافت. در حقیقت، دنیا، دنیای دیگری جلوه خواهد کرد (شرفی، ۱۳۹۵، ص ۹۶-۱۰۲)؛ زیرا هویت دینی، انسان را به منبع و پشتوانه‌ای متصل می‌کند که از بالاترین ثبات برخوردار است و علاوه بر آن، به جاودانه بودن انسان اشاره دارد که جلوه‌ای زیبا به او می‌دهد و راه‌های رسیدن به کمال را برای او بیان می‌کند.

بر اساس مطالب بالا، تجلی هویت دینی در انسان، ترکیبی است که با باورهای صحیح به مبدأ و معاد و گرایش‌های متعالی به پرستش الهی و کسب کمالات معنوی که ریشه‌ی معرفت‌شناختی دارد و نیز انجام تکالیف الهی بر اساس دستورات خداوند صورت خواهد گرفت که از یک سو، بسته به درجه ایمان و عمل صالح، قابل راستی‌آزمایی خواهد بود و از سوی دیگر، دستاوردهای مهم شناختی، انگیزشی و رفتاری در فرد و جامعه خواهد داشت.

هرچند قرآن، به اقتضای کتاب قانون و نقش هدایتی خود، مانند کتب تألیفی، به تعریف مفاهیم کلیدی یک موضوع نمی‌پردازد؛ اما به ترسیم اصول و ضوابط کلی هر مفهوم وارد می‌شود. قرآن کریم دین را وصیت الهی و مسیر انتخاب‌شده‌ی هدایت می‌داند (بقره: ۱۳۲) و عنصر اصلی آن را تسلیم در مقابل فرمان‌های الهی قلمداد می‌کند (آل عمران: ۱۹) که برای همه‌ی بشریت در نظر گرفته است (انفال: ۳۹) و وعده‌ی پیروزی دین خود را بر سایر ادیان ساختگی داده است (توبه: ۳۳). در نگاه قرآن، هویت دینی هر فرد، ترکیبی از بعد اعتقادی و انگیزشی و رفتاری اوست. در بعد اعتقادی، قرآن هویت دینی هر فرد را در گرو باورهای غایت‌گرایانه‌ی او می‌داند که هدف و فلسفه‌ی آفرینش انسان و نقش او را در مسیر سعادت روشن می‌کند؛ بنابراین، در آیات توحیدی و معاد تلاش می‌کند نوع نگاه انسان را سمت‌وسوی توحیدی و فرجام‌اندیشی ببرد. در بعد گرایش‌ها نیز، قرآن گرایش به پرستش و عبادت را جزء گرایش‌های فطری هر انسانی می‌داند: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ الْإِنْسَانَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (روم: ۳۰)» پس [با توجه به بی‌پایه بودن شرک] حق‌گرایانه و بدون انحراف با همه‌ی وجودت، به سوی این دین [توحیدی] روی آور، [پای‌بند و استوار بر] سرشت خدا باش که مردم را بر آن سرشته است. برای آفرینش خدا هیچ‌گونه تغییر و تبدیلی نیست. این است دین درست و استوار؛ اما بیشتر مردم معرفت و دانش [به این حقیقت اصیل] ندارند.»

قرآن در بعد رفتار نیز، انسان را به حضور و وجود اندیشه‌ی خداگرایانه و معادباورانه در عرصه‌ی زندگی و رفتارهای اجتماعی آراسته می‌کند تا در پرتو آن، یک زندگی مسئولانه‌ی فردی و جمعی را شکل دهد و از بروز فساد اخلاقی و اجتماعی جلوگیری کند. هویت دینی شکل‌گرفته بر پایه‌ی

قرآن، عنصر کلیدی خودکنترلی (تقوا به مفهوم قرآنی آن) دارد که از بروز رفتارهای ناسالم جلوگیری می‌کند و قابل‌مقایسه با عنصر دیگرکنترلی نیست. نتیجه‌ی ایجاد ملکه‌ی تقوا در انسان، بازدارندگی از درون انسان‌هاست که بر پایه‌ی درک حضور و نظارت الهی و حفظ کرامت انسان صورت می‌گیرد و حریم خداوند و کرامت انسان، اجازه‌ی بروز رفتارهای ناسالم را نمی‌دهد.

۷- نقش عزت‌نفس در شکل‌گیری هویت دینی

همان‌گونه که در تعریف هویت دینی گفتیم، هویت دینی را می‌توان مجموعه‌ای شناختی، اعتقادی و روانی شامل ارزش‌ها، هنجارها، باورها، احساسات، نمادها، طرز تلقی‌ها و آگاهی‌های مختص به یک خود فردی - اجتماعی دانست که سبب دستیابی به هدفمندی آفرینش و نیز معناداری زندگی و پاسخ به پرسش‌های بنیادین فکری و اعتقادی می‌شود. این دستاوردهای مهم با نگاهی کارکردگرایانه، نشانه‌ی اهمیت این جنبه از هویت است. برون‌داد اندیشه‌ی خداگرایانه و معادباورانه که محصول شکل‌گیری هویت دینی است، انسان‌های دارای رفتار سالم فردی و اجتماعی خواهد بود که هم در مواجهه با وقایع و رویدادهای زندگی دچار انفعال و یأس و واماندگی نخواهند شد و هم سلامت فردی و اجتماعی خود و دیگران را سرلوحه‌ی جزء جزء رفتارهای خود قرار خواهند داد. شالوده‌ی هویت دینی، تسلیم در برابر دستوره‌ای خداوند و پذیرش بندگی اوست و در مقابل، نپذیرفتن این هویت، به معنای بروز تنش‌ها و ناهنجاری‌های فردی و اجتماعی خواهد بود. تأثیر عزت‌نفس در شکل‌گیری چنین هویتی، با این گستره‌ی کارکردی بدین جهت است که عزت‌نفس و خودارزشمندی سبب می‌شود انسان گوهر وجودیِ گران‌قیمت خود را با خودکم‌بینی و رفتارهای خلاف شأن انسانی دچار بی‌مهری نکند و مراقب خرج آن در هر مسیری باشد. هنگامی این نگاه در انسان دارای عزت‌نفس شکل گرفت و او قیمت خود را بالا دید، خوب می‌فهمد که تنها خریدار او در عالم هستی، خدای اوست. در اینجا است که انسان تلاش می‌کند غیر از فرمان‌های الهی به هیچ نوایی گوش ندهد و ابدیت خود را با رفتارهای ناسالم از بین نبرد. او به‌خوبی درمی‌یابد که معنای این دو آیه‌ی شریفه چیست که «يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ ﴿۸۸﴾ إِلَّا مَنْ آتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ (شعراء: ۸۸-۸۹)؛ روزی که هیچ مال و اولادی سود نمی‌دهد، مگر کسی که دلی سالم [از رذایل و خبایث] به پیشگاه خدا بیاورد.» اهمیت این تأثیرگذاری هنگامی روشن می‌شود که بدانیم عزت‌نفس در همه‌ی ابعاد وجودی انسان که در هویت دینی او دخیل است، چه تأثیراتی می‌گذارد تا در روند تربیت دینی و شکل دادن به هویت دینی، هر بعد وجودی او را متناسب به اهداف غایی هویت دینی تربیت کرد.

یکی از ابعاد وجودی انسان، بُعد شناختی اوست. این بُعد هم اثربخش است و هم از سایر ابعاد، یعنی عاطفی و رفتاری، اثرپذیر است. آیات قرآن در ده‌ها مورد، از انسان هم‌ایمان (بعد شناخت) و هم عمل‌صالح (بعد رفتار) را درخواست می‌کند (مثلاً بقره: ۲۵ و ۸۲) و عاقبت انجام رفتارهای ناصحیح را ضربه به بعد شناختی انسان می‌داند: «ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَصَاؤُا السُّوَاىَ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَ كَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِؤْنَ (روم: ۱۰) آنگاه سرانجام کسانی که مرتکب زشتی شدند، به

جایی می‌رسد که آیات خدا را تکذیب می‌کنند و همواره آنها را به سخره می‌گیرند.» لازم است بدانیم انسان در هر مرحله از مراحل رشد خود، یک سلسله توانمندی‌های شناختی دارد. روان‌شناسان از جمله ژان پیاژه^۱، رشد شناختی انسان را به سه دوره تقسیم می‌کنند: دوره حسی - حرکتی در ۲ سال اول، دوره عملیاتی منطقی عینی تا ۱۲ سالگی و سپس دوره عملیات منطقی صوری یا دوره تفکر انتزاعی (سیف، ۱۳۸۷، ص ۸۹).

سومین دوره تحول شناختی در آستانه نوجوانی آغاز و در اوایل جوانی تکمیل می‌شود؛ بنابراین، یکی از ویژگی‌های نوجوان از نظر شناختی این است که تفکر انتزاعی دارد و از نظر ذهنی، به بیشترین کارایی هوشی می‌رسد.

در این دوره، گرایش نوجوانان به فلسفه‌ی زندگی، آنان را به سوی مسائل اخلاقی، سیاسی و مذهبی سوق می‌دهد و نوجوان تلاش می‌کند هویت مذهبی خود را شکل دهد؛ اما به دلایل گوناگونی ممکن است در این هویت‌یابی دینی، با بحران روبرو شود و نتواند هویت منسجم و ثابتی پیدا کند و دچار سردرگمی و بحران و در مواقعی بی‌رغبتی و گریز از دین گردد؛ زیرا بُعد شناختی و عاطفی، پایه‌های شکل‌گیری هویت دینی را ایجاد خواهند کرد. از علل بحران هویت، ناهمخوانی بُعدهای شکل‌گرفته‌ی شخصیتی نوجوان با ماهیت دین و هویت ایدئال دینی است؛ از این‌رو، باید در دو مرحله‌ی شناختی پیش، با روش‌های صحیح تربیتی، بن‌مایه‌ی هویت دینی کودک به‌درستی پایه‌ریزی شود تا در دوره‌ی جوانی دچار سردرگمی و بحران نگردد.

احساس ارزشمندی نیز، به‌عنوان بُنیان اساسی بُعد عاطفی، تأثیر بسیار بالایی در شکل‌گیری هویت دینی دارد و اگر این احساس، در سنین کودکی، در شخص نهادینه نشود، آثار آن در مراحل رشد هویتی او دیده خواهد شد. عزت‌نفس در میزان ایمان، پذیرش و تعهد به آموزه‌ها و دستورهای اسلام و اجرای احکام الهی سهم فراوانی دارد.

در معارف اسلام، حس ارزشمندی نفس، یکی از ضروری‌ترین نیازها برای افزایش توانایی مقابله با امیال شیطانی است و در مقابل، خفت نفس و نبود احساس ارزشمندی در زندگی فرد، شخص را به ورطه‌ی بی‌ایمانی و فساد عملی خواهد کشاند.

از سوی دیگر، انسان به دنبال یکپارچگی میان شناخت‌ها یا میان شناخت‌ها و رفتار خویش است؛ بنابراین، کسی که برای خود ارزش قائل است، اگر کار غیراخلاقی نیز انجام دهد، دچار ناهماهنگی و رنج می‌شود، از این‌رو، از کار غیراخلاقی اجتناب می‌کند (آذربایجانی و همکاران ۱۳۸۷، ص ۱۲۸).

علمای اخلاق نیز به نقش احساس ارزشمندی در تلاش برای کسب شخصیت دینی، فضایل اخلاقی و اجتناب از رذایل اخلاقی توجه بسزایی داشته‌اند (مهدوی کنی ۱۳۸۹، ص ۲۰؛ تهرانی، ۱۳۹۱، ج ۱۰، ص ۵۳). در ادامه، تأثیر عزت‌نفس را در سه بعد وجودی انسان که مرتبط با هویت دینی است، به‌صورت جداگانه بررسی می‌کنیم:

1- J.Piaget

۱-۷ نقش عزت نفس در باورهای بنیادین دینی

گفتیم عزت نفس با دو مشخصه‌ی «خودکارآمدی» و «احساس ارزشمندی» همراه است. یقیناً کسانی که عزت نفس بالایی دارند، برای خود ارزش قائلند و تلاش می‌کنند گوهر وجود خود را خرج هر کس و هر چیزی نکنند. اینان با همه‌ی وجود، این آیه را درک می‌کنند که «إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ» (زمر: ۱۵) بی‌تردید زیانکاران [واقعی] کسانی هستند که روز قیامت، سرمایه‌ی وجودشان و کسانشان را به تباهی داده باشند. آگاه باشید! که آن همان زیان آشکار است.»

اینان می‌دانند که بر مبنای قرآن، همه‌ی عزت از آن خداست (نساء: ۱۳۹)، درحالی‌که برخی انسان‌ها تلاش می‌کنند عزت خود را با معبودانی غیر از خدا به دست آورند (مریم: ۸۱). این در حالی است که به فرموده‌ی امیرمؤمنان^(ع)، خدا عزت را به همراه کبرپایی خود، تنها برای خود برگزیده است و از دیگر پدیده‌ها، آن دو را بازداشته است و آن دو را مرز میان خود و دیگران قرار داده و آن کس را که در آرزوی عزت و بزرگی با خدا به ستیزه برخیزد، لعنت کرده است (شریف رضی، ۱۴۱۴، ص ۲۸۵)؛ بنابراین، اساساً کسی که طالب عزت است، باید آن را در درگاه الهی بجوید: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا» (فاطر: ۱۰)؛ بنابراین، بشر اصالتاً عزت نفس و قدرت روح ندارد و اگر بخواهد به عزت روحی دست یابد و از قدرت معنوی برخوردار گردد، باید به عزیز واقعی متکی شود و خود را به قدرت اصیل الهی پیوند دهد تا در پرتو آن، از ذلت و زبونی مصون بماند و بر مشکلات فائق آید و مقهور این و آن نشود و در برابر حوادث و رویدادها از پای درنیاید (فلسفی، ۱۳۷۹، ص ۱۴).

عزت نفس قدرتی است که در دل و جان انسان ظاهر می‌شود و او را از خضوع و تسلیم و سازش در برابر طاغیان و یاغیان بازمی‌دارد و در برابر زر و زور نفوذناپذیر می‌کند. این قدرت با ایمان به خدا به دست می‌آید که منبع اصلی قدرت و عزت است (نیلی، نظری و موسوی، ۱۳۹۴، ص ۱۵۱).

بنابراین، باید از دوران کودکی و در فرایند تربیت دینی، کودکان را با مفاهیم «خدای عزیز» که «عزت آفرینی» تنها به دست اوست، آشنا کرد. در این صورت است که در آینده، جز به درگاه خداوند، برای خودارزشمندی روی نمی‌آورد. اساساً چون عزت صفتی است که منحصرأ در اختیار خداست، هنگامی که کودک، عزیز و بزرگوار تربیت شد، به اقتضای تشابه خداوند با ملکه‌ی کرامت درونی خویش، به سوی خدا بیشتر کشیده می‌شود و هویت اعتقادی او، آن هم در بنیانی‌ترین باورها، به سوی پذیرش خداوند متمایل می‌گردد و بندگی و بردگی هرکسی را نمی‌پذیرد و به فرموده‌ی امیرمؤمنان^(ع)، لحظه‌ای ذلت را با عمری عزت عوض نمی‌کند: «سَاعَةٌ ذُلٌّ لَا تَقْبِي بِعِزَّةِ الدَّهْرِ» (لیثی واحدی، ۱۳۷۶، ص ۲۸۴)؛ یک ساعت [ایا یک لحظه] ذلت، به یک عمر عزت نمی‌ارزد.» محصول شناختی عزت نفس، چند معرفت بنیادین خواهد بود: ۱. شناخت خدای عزیز که تمام عزت به دست اوست و راه دستیابی به عزت نیز گوش دادن به فرمان‌های اوست؛ ۲. شناخت ارزش نفس و مراقبت از آن و جلوگیری از خرج بیهوده‌ی آن در مسائل پست و ناچیز، همان‌گونه که امیر علم و بیان، حضرت علی^(ع) فرمودند: «عَظُّمُوا أَقْدَارَكُمْ بِالْتَّعَافُلِ عَنِ الدَّنِيِّ مِنَ الْأُمُورِ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۲۲۴)؛ ارزش خود را با چشم‌پوشی از امور پست و ناچیز بالا بیاورید؛ ۳. شناخت

اوصاف الهی و دستیابی به آن و تشبه به خداوند در این صفات که خود سبب تجلی صفات اخلاقی و رفتارهای انسانی در سطح جامعه می‌شود؛ ۴. شناخت هدفمندی و معناداری زندگی که هم عبور از شداید دنیا را راحت‌تر می‌کند و هم نگاه ابدی به انسان می‌دهد تا از اسارت پستی‌ها و مادیات برهد.

۷-۲ نقش عزت‌نفس در ایمان و گرایش‌های دینی

بر اساس بیانات بالا، در تبیین تأثیرات شناختی عزت‌نفس در زمینه‌ی هویت دینی، باید به این مهم توجه کنیم که مبدأ گرایش‌ها و انگیزه‌های انسان، تحت تأثیر این شناخت، به هر سو نخواهد رفت. مؤمنان دارای عزت‌نفس با کمال افتخار، شعار «إِلَهِي كَفَى بِي عِزًّا أَنْ أَكُونَ لَكَ عَبْدًا» (کراجکی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۳۸۶)؛ خدایا برای عزت من همین بس که بنده‌ی تو باشم، سر می‌دهند. کسانی که عزت‌نفس دارند، مبدأ گرایش‌های درونی آنان، به سوی امور عالی سوق پیدا می‌کند و اجازه نمی‌دهند نفسشان به امور پست آلوده شود. امیرمؤمنان^(ع) می‌فرماید: «مَنْ كَرِهَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ لَمْ يَهْنُهَا بِالْمَعْصِيَةِ (لیثی واحدی، ۱۳۷۶، ۴۳۹)؛ هر کس نفسش کریم و عزیز باشد، به نفس خویش، با گناه توهین نمی‌کند.»

اصل گرایش‌های درونی کودک، اصلاح نیت او یعنی «حسن فاعلی» است که در پرتو ایمان به خداوند و تمایل به کمالات اخلاقی و انسانی حاصل می‌شود. امام صادق^(ع) فرمود: «حَسْبُ الْمُؤْمِنِ عِزًّا أَنْ رَأَى مُنْكَرًا أَنْ يَعْلَمَ اللَّهُ مِنْ نَيْتِهِ أَنَّهُ لَهُ كَارِهٌ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۶۰)؛ در عزیز بودن مؤمن همین بس که هرگاه کار زشت و ناپسندی مشاهده کرد، خدای متعال از نیتش درباره‌ی ناخوش داشتن آن منکر آگاه باشد.»

از آنجاکه عزت‌نفس از یک‌سو، در تمایلات درونی کودک ریشه دارد و از سوی دیگر، بر اساس روایات، بنای دین بر پایه‌ی محبت چیده شده است (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۶۳)، عزت‌نفس و احساس ارزشمندی موجب می‌شود احساس افتخار به مسلمان بودن، احساس آرامش به سبب نیایش، احساس نفرت و کینه نسبت به طاغوت‌ها و ظالمان، احساس همدردی درباره‌ی مظلومان و سایر هم‌کیشان خود، در وجود کودک شکوفا گردد. در این صورت، به بیان امام زین‌العابدین^(ع)، انسان می‌فهمد که «طَاعَةُ وِلَاةِ الْأَمْرِ تَمَامُ الْعِزِّ (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۲۸۳)؛ اطاعت والیان امر امامت، تمام عزت یک مؤمن است.»

بنابراین، جز مسیر ولایت را طی نمی‌کند و حتی در جزئی‌ترین امور زندگی نیز، مراقب حفظ عزت‌نفس خویش است و حتی حاجات عادی زندگی خویش را بر اساس بیان پیامبر بزرگوار اسلام، با مقیاس عزت‌نفس دنبال می‌کند. ایشان در بیانی فرمودند: «أَطْلُبُوا الْحَوَائِجَ بِعِزَّةِ الْأَنْفُسِ فَإِنَّ الْأُمُورَ تَجْرِي بِالْمَقَادِيرِ (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۲۱۸)؛ نیازهای خود را با عزت‌نفس طلب کنید؛ زیرا امور بر اساس مقدرات تنظیم شده است.»

گویا رسول مکرم اسلام این نکته را گوشزد می‌کنند که هر جا درخواستی، به بهای خرد شدن عزت انسان مؤمن صورت گیرد، محصول آن، روزی انسان و مقدر الهی نیست؛ بنابراین از دایره‌ی

برکت و لطف خداوند خارج خواهد شد.

حتی مؤمن دارای عزت، از این مرحله فراتر می‌رود و با نگاهی الهیاتی و کمال‌گرایانه، نفس خویش را بر اساس قانون طلایی اخلاق که همان قاعده‌ی زرین است، معیار خوبی و بدی قرار می‌دهد (اسراء: ۷) و هر خوبی به دیگران را خوبی به خود و به‌منظور عزت خویش و هر بدی به دیگران را بدی به خود و برای ذلت خود می‌بیند. امیرمؤمنان^(ع) فرمود: «إِنَّ مَكْرَمَةَ صَنَعْتَهَا إِلَى أَحَدٍ مِنَ النَّاسِ إِذَا أَكْرَمْتَ بِهَا نَفْسَكَ وَ زَيَّنْتَ بِهَا عِرْضَكَ فَلَا تَطْلُبُ مِنْ غَيْرِكَ شُكْرَ مَا صَنَعْتَ إِلَى نَفْسِكَ (لیثی واحدی، ۱۳۷۶، ص ۱۴۱)؛ اگر به کسی خوبی کردی در واقع، با این کار خود را گرامی داشته‌ای و به خودت آبرو داده‌ای؛ پس به سبب خوبی‌ای که کرده‌ای، از دیگران خواهان تشکر نباش.»

با وجود عزت نفس، مبدأ میل انسان به‌سوی خداوند و خیرات می‌چرخد و نیت انسان در هر امری، کسب رضایت الهی خواهد بود؛ زیرا مؤمن حقیقی و دارای عزت نفس، سلامت قلب خود را از رذایل، راه رستگاری ابدی می‌داند، چنان‌که امام صادق^(ع) فرمود: «صَاحِبُ النَّيَّةِ الصَّادِقَةِ صَاحِبُ الْقَلْبِ السَّلِيمِ لِأَنَّ سَلَامَةَ الْقَلْبِ مِنْ هَوَاجِسِ الْمَحْذُورَاتِ يَتَخَلِّصُ النَّيَّةَ لِلَّهِ تَعَالَى فِي الْأُمُورِ كُلِّهَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَ لَا بَنُونَ* إِلَّا مَنْ آتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ... (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۷، ص ۲۱۰)؛ صاحب نیت صادقه، صاحب قلب سلیم (سالم از هرگونه شرک و کفر و آلودگی به گناه) است؛ زیرا سلامت قلب از وساوس شیطان که باید از آن بر حذر بود، به سبب خالص کردن نیت برای خداوند، در همه‌ی امور تحقق می‌یابد. خداوند عزوجل می‌فرماید: در روز قیامت، مال و فرزندان سودی نمی‌بخشد، مگر کسی که با قلب سلیم به پیشگاه خدا آید.»

۳-۷ نقش عزت نفس در رفتارهای دینی و التزام عملی به دستوره‌های دینی

بر اساس مطالب بالا، هنگامی که عزت نفس سبب شکل‌گیری باورهای ژرف بنیادین و گرایش‌های متعالی در انسان گردید، در ادامه موجب می‌شود احساس انزجار درونی نسبت به گناهان، در وجود انسان شکل گیرد؛ زیرا شخص عزیز می‌داند که گناه سبب خواری و ذلت او در برابر خداوند و خروج از مرز بندگی و نیز سبب تحقیر او در برابر مردم می‌شود. چنین کسانی حتی اگر با خطا و گناه، به مقصود خود و منفعت خویش هم برسند، تمایلی به انجام گناه ندارند؛ زیرا همواره اصل عقلی اهمّ و مهم را در نظر می‌گیرند و می‌یابند که در برابر گناه گذرا، چه امر مهم‌تری از دستشان می‌رود.

اینان به فرموده‌ی امام مجتبی^(ع)، عزت را در مسیر اطاعت الهی می‌یابند؛ نه معصیت: «مَنْ أَرَادَ عِزًّا بِلَا عَشِيرَةٍ وَ غَنًى بِلَا مَالٍ وَ هَيْبَةً بِلَا سُلْطَانٍ فَلْيَنْقُلْ مِنْ ذُلِّ مَعْصِيَةِ اللَّهِ إِلَى عِزِّ طَاعَتِهِ (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۶۹)؛ هرکس می‌خواهد بدون عشیره، عزت به‌دست آورد و بدون سلطنت، هیبت و عظمت را؛ پس باید از ذلت نافرمانی خداوند، به‌سوی عزت فرمان‌برداری از او حرکت کند.»

امیرمؤمنان^(ع) می‌فرماید: «أَكْرَمُ نَفْسِكَ عَنْ كُلِّ دَنِيَّةٍ وَ إِنَّ سَاقَتَكَ إِلَى رَعْبَةٍ فَإِنَّكَ لَنْ تَعْتَاضَ بِمَا تَبَدَّلُ مِنْ نَفْسِكَ عَوْضًا (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۷۷)؛ خود را از هر پستی‌ای برکنار دار، گرچه تو

را به خواسته‌هایت برساند؛ زیرا در برابر آنچه از خود می‌پردازی، چیزی به دست نخواهی آورد.» همین رسالت مراقبت از نفس است که امام صادق درباره‌ی سلوک رفتاری امیرمؤمنان^(ع) می‌فرماید: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُسَلِّمُ عَلَى النِّسَاءِ، وَيَرُدُّدَنَّ عَلَيْهِ السَّلَامَ، وَكَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُسَلِّمُ عَلَى النِّسَاءِ، وَكَانَ يَكْرَهُ أَنْ يُسَلِّمَ عَلَى الشَّابَةِ مِنْهُنَّ، وَيَقُولُ: اتَّخَوْفُ أَنْ يُعْجِبَنِي صَوْنُهَا، فَيَدْخُلَ عَلَيَّ أَكْثَرَ مِمَّا أُطَلَّبُ مِنَ الْأَجْرِ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۷۰۸)؛ رسول خدا^(ص) به زنها سلام می‌کرد و جوابشان را می‌دادند؛ اما شیوه‌ی امیرالمؤمنین علی^(ع) این بود که به زنها سلام می‌کرد و خوش نداشت که به زنها سلام کند و می‌فرمود: می‌ترسم آوازشان مرا خوش آید و بیشتر از آن اجری که می‌جویم، [گناه] به من رسد.»

ضرورت کنترل درونی، در نگاه روان‌شناختی و اخلاقی امیرمؤمنان^(ع) تا جایی است که ایشان می‌فرماید: «اجْعَلْ مِنْ نَفْسِكَ عَلَى نَفْسِكَ رَقِيبًا» (لیثی واحدی، ۱۳۷۶، ص ۸۵). انسان باید از درون خویش، خود را مراقبت کند؛ زیرا در نگاه رسول مکرم اسلام، بدترین مانع و دشمن سعادت انسان، نفس اوست (ورام‌بن ابی‌فراس، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۵۹) که در جایگاه آمریت به بدی‌ها قرار دارد (یوسف: ۵۳)؛ بدین سبب، امیر بیان، در عبارت دیگری و در اهمیت این موضوع می‌فرماید: بدانید هرکس از نفس خویش، واعظ و بازدارنده‌ای برای کمک به خود نداشته باشد، از بیرون نفس خویش، کسی نمی‌تواند او را [از خطا] بازدارد و نصیحت کند (شریف رضی، ۱۴۱۴، ص ۱۲۳). در اینجا است که ایشان، هیچ شرافتی را بالاتر از اسلام و هیچ عزتی را بالاتر از تقوی و خودکنترلی نمی‌داند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۱۹).

نتیجه‌ی خودکنترلی برخاسته از عزت‌نفس در بُعد فردی، انجام تکالیف الهی در قالب بایدها و نبایدهاست؛ زیرا انجام تکالیف را سبب عزیز شدن خود می‌داند و در بعد اجتماعی نیز، گذشت و انصاف در مراودات اجتماعی، سرلوحه‌ی رفتارهای عزتمندانه خویش قرار می‌دهد. رسول گرامی اسلام، رابطه‌ی گذشت از مردم و عزت‌مداری را چنین بیان فرمودند: «عَلَيْكُمْ بِالْعَفْوِ فَإِنَّ الْعَفْوَ لَا يَزِيدُ الْعَبْدَ إِلَّا عِزًّا فَتَعَاقُوا يُعِزُّكُمْ اللَّهُ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۰۸)؛ بر شما باد به گذشتن از یکدیگر؛ زیرا گذشت موجب ازدیاد عزت بنده می‌شود؛ پس بگذرید تا خداوند شما را عزیز بدارد.»

در بیان دیگری، امیرمؤمنان^(ع) درباره‌ی انصاف با مردم و دریافت عزت از خداوند می‌فرماید: «مَنْ يُنْصِفِ النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ لَمْ يَزِدْهُ اللَّهُ إِلَّا عِزًّا (همان، ص ۱۴۴)؛ هرکس از سوی خویش، با انصاف با مردم برخورد کند، خداوند عزتش را افزون می‌کند.»

بر اساس روایات، عزت‌طلبی و حفظ عزت‌نفس، در جزئی‌ترین رفتارهای اجتماعی اثر می‌گذارد. امام صادق^(ع) به مفضل بن قیس که از حال و روز خود شاکی بود، فرمود: «إِيَّاكَ أَنْ تُخْبِرَ النَّاسَ بِكُلِّ حَالِكَ فَتَهْوَنَ عَلَيْهِمْ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۲۱)؛ از بازگو کردن همه‌ی شرح حال خود برای مردم پرهیز کن تا خوار نشوی؛ یعنی حتی در گفتگوهای ساده‌ی اجتماعی، مراقب شخصیت و عزت خویش باش. بر اساس بیانات بالا، عزت‌نفس سبب بروز رفتارهای سالم اجتماعی و جلوگیری از ناهنجاری‌های منشی، حتی در جزئی‌ترین رفتارها می‌شود.

نتیجه‌گیری

این پژوهش، ضمن بیان مفهوم عزت‌نفس و جایگاه آن به‌ویژه در آیات و روایات و نیز بررسی مفهوم هویت دینی، به این نتیجه رسید که ثمره‌ی عزت‌نفس پرورش‌یافته از ابتدای کودکی، تقویت اراده، خودکارآمدی، احساس ارزشمندی و خودکنترلی خواهد بود و تقویت اراده و خودکنترلی در فرد، شخص را به کنش و واکنشی عاقلانه و متناسب با ارزش‌نفس در شرایط گوناگون سوق می‌دهد و در برابر فساد ایمانی و عملی او را مقاوم خواهد کرد و این ساختار در سنین هویت‌یابی، به فرد هویتی دینی و یکپارچه خواهد بخشید. مهم‌ترین یافته‌ی این پژوهش، سهم مهمی است که عزت‌نفس در شکل‌گیری هویت دینی در آینده کودک خواهد داشت؛ بدین معنا که عزت‌نفس سبب می‌شود باورهای بنیادین، مانند پذیرش و پرستش خداوند و نیز گرایش‌های متعالی، مانند میل به کمالات و نیز رفتارهای سالم در مواجهه با لذت‌ها و شهوات از انسان صادر شود و او را در جنبه‌ی فردی و اجتماعی، به تعادل فکری و عملی بکشاند. نتیجه‌ی نهایی این پژوهش آن است که از یک‌سو، به علت آنکه کرامت انسانی و ایجاد حس ارزشمندی، راهکاری اساسی برای شکل‌دهی باورها و کنش‌های دین‌مدارانه به حساب می‌آید، از سوی دیگر، حس حقارت و نبود عزت‌نفس، انسان را به فساد باور دینی و نافرمانی در برابر دستورهای خداوند می‌کشاند؛ بنابراین، برای شکل‌گیری باورهای بنیادین اعتقادی، گرایش‌های متعالی و رفتارهای دین‌مدارانه، باید از کودکی عزت‌نفس و احساس ارزشمندی را در وجود کودک تقویت و رشد داد.

منابع

- قرآن کریم؛ ترجمه‌ی آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی.
- ابن‌بابویه، محمد بن علی؛ إعتقادات الإمامية (للسدوق)؛ چاپ دوم، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۴ ق.
- _____؛ الخصال؛ قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش.
- ابن‌شعبه حرانی، حسن بن علی؛ تحف العقول فی اخبار آل الرسول؛ چاپ دوم، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق.
- امید، حمید؛ ساجدی، فیروزه؛ رستمی، رضا؛ بخشی، عنایت‌الله؛ «اثربخشی آموزش مهارت‌های اجتماعی بر عزت‌نفس دانش‌آموزان مبتلا به اختلال کم‌توجهی و بیش‌فعالی»؛ توانمندسازی کودکان استثنایی، دوره نهم، شماره ۲، ۱۳۹۷ ش.
- آذربایجانی، مسعود، تبیک، محمد تقی، سالاری‌فر، محمدرضا، غروی، سیدمحمد، کاویانی، محمد، و همکاران؛ روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷ ش.
- آذربایجانی، مسعود؛ مقیاس سنجش دین‌داری (تهیه و ساخت آزمون جهت‌گیری مذهبی با تکیه بر اسلام)؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷ ش.
- آذربایجانی، مسعود، مصباح، علی، رهنمایی، سیداحمد، شاملی، عباس، زارعان، محمدجواد و دیگران؛ روانشناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی؛ چاپ پنجم، تهران: سمت، ۱۳۹۰ ش.
- باهنر، ناصر؛ آموزش مفاهیم دینی همگام با روان‌شناسی رشد؛ تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸ ش.
- براندن، ناتانیل؛ روان‌شناسی عزت‌نفس؛ برگردان مهدی قراچه‌داغی؛ چاپ بیست‌وچهارم، تهران: نخستین، ۱۳۹۹ ش.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد؛ المحاسن؛ چاپ دوم، قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ش.
- برک، لورا؛ روان‌شناسی رشد؛ ترجمه‌ی یحیی سیدمحمدی؛ تهران: ارسباران، ۱۳۸۵.
- بروجردی، آقا حسین؛ جامع احادیث الشیعة (للبروجردی)؛ تهران: فرهنگ سبز، ۱۳۸۶ ش.
- پاینده، ابوالقاسم؛ نهج‌الفصاحه؛ چاپ چهارم، تهران: دنیای دانش، ۱۳۸۲ ش.
- پورافکاری، نصرت‌الله؛ فرهنگ جامع روان‌شناسی روان‌پزشکی؛ چاپ دوم، تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۷۶ ش.
- قیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد؛ غررالحکم و درر الکلم؛ چاپ دوم، قم: دار الکتب الاسلامی، ۱۴۱۰ ش.
- تهرانی، مجتبی؛ اخلاق الهی؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۱ ش.
- جوادی آملی، عبدالله؛ انتظار بشر از دین؛ چاپ سوم، قم: اسراء، ۱۳۸۴ ش.
- _____؛ تفسیر موضوعی؛ قم: اسراء، ۱۳۸۱ ش.
- جوادی، حجت‌الله؛ «هویت دینی یا هویت‌های دینی»؛ مجله اسلام‌پژوهی، شماره ۱، ۱۳۸۴ ش.
- دهخدا، علی‌اکبر؛ لغت‌نامه دهخدا؛ تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ ش.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ المفردات فی غریب القرآن؛ بیروت: دارالعلم، ۱۴۱۲ ق.
- رئوفی، محمود؛ «مؤلفه‌های هویت دینی»؛ مجله دین و ارتباطات، شماره ۳۷ و ۳۸، ۱۳۸۹ ش.
- سالاری‌فر، محمدرضا؛ شجاعی، محمدصادق؛ موسوی اصل، سید مهدی؛ دولتخواه، محمد؛ بهداشت روانی با نگرش به منابع اسلامی؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹ ش.

- سلامت، ندا؛ «والدین پایه گذار عزت نفس در کودکان»؛ رشد آموزش پیش دبستانی، شماره ۳۷، ۱۳۹۷ ش.
- سوسن، سیف؛ روانشناسی رشد؛ تهران: سمت، ۱۳۸۷ ش.
- شجاعی، محمدصادق؛ توکل به خدا: راهی به سوی حرمت خود و سلامت روان؛ قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۷ ش.
- شرفی، محمدرضا؛ جوان و بحران هویت؛ چاپ دوم، تهران: سروش، ۱۳۸۰ ش.
- شریف رضی؛ محمدبن حسن؛ نهج البلاغه (للصبحی صالح)؛ قم: هجرت، ۱۴۱۴ ق.
- شیخ حرعاملی، محمدبن حسن؛ الفصول المهمة فی أصول الأئمة (تکملة الوسائل) قم: مؤسسه معارف اسلامی امام رضا علیه السلام، ۱۴۱۸ ق.
- شیرچی، رفیه؛ رضائیان بیلندی، حسین؛ مصلحی، جواد؛ «نقش پیوند والدینی و عزت نفس در پیش‌بینی سبک‌های هویت دینی نوجوانان»؛ روانشناسی و دین، شماره ۳، ۱۳۹۸ ش.
- طریحی، فخرالدین؛ مجمع البحرين؛ چاپ سوم، تهران: مرتضوی، ۱۳۷۵ ش.
- طوسی، محمدبن حسن؛ تهذیب الاحکام (تحقیق خراسان)؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
- غلامی، علی و بشلیده، کیومرث؛ «اثربخشی معنویت درمانی بر سلامت روان زنان مطلقه»؛ مشاوره و روان درمانی خانواده، شماره ۳، ۱۳۹۰ ش.
- فرهوش، محمد؛ «عزت نفس معنوی و ساخت پرسشنامه آن بر اساس منابع اسلامی»؛ پایان‌نامه ارشد با راهنمایی دکتر رضا محکام، مؤسسه اخلاق و تربیت، ۱۳۹۷ ش
- فلسفی، محمد تقی؛ عزت و ذلت از دیدگاه نهج البلاغه؛ تهران: بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۷۹ ش
- کراجکی، محمدبن علی؛ کنز الفوائد؛ قم: دارالذخائر، ۱۴۱۰ ق.
- کرمی، جهانگیر و رفیعی دلفان، زهرا؛ «رابطه شخصیت درون‌گرا و برون‌گرا، عزت نفس و تنیدگی ادراک شده با گرایش به اعتیاد»؛ رویش روان‌شناسی، شماره ۲۸، ۱۳۹۷ ش.
- کلینی، محمدبن یعقوب بن اسحاق؛ الکافی (ط-الاسلامیه)؛ چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
- گودرزی، کورش؛ سهرابی، فرامرز؛ فرخی، نورعلی؛ «اثربخشی تعاملی هوش معنوی و آموزش مهارت‌های زندگی بر بهبود نگرش‌های دانشجویان نسبت به مهارت‌های زندگی»؛ نوآوری‌های مدیریت آموزشی، دوره ۷، شماره ۴، ۱۳۹۱ ش.
- شجاعی، محمدصادق؛ توکل به خدا راهی به سوی حرمت خود و سلامت روان؛ قم: مؤسسه امام خمینی، ۱۳۸۳ ش.
- لیشی واحدی، علی بن محمد؛ عیون الحکم و المواعظ؛ قم: دارالحدیث، ۱۳۷۶ ش.
- مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی؛ بحارالانوار؛ چاپ دوم، بیروت: احیاء التراث، ۱۴۰۳ ق.
- مردوخ، محمدمسعود؛ کمزورین، حمید؛ خالدنژاد، منا؛ «تأثیر آموزش راهبردهای فراشناختی بر عزت نفس تحصیلی، ادراک شایستگی و سلامت روان دانش آموزان دختر تیزهوش کرج»؛ رویش روانشناسی، شماره ۳۶، خرداد ۱۳۹۸ ش.
- مطهری، مرتضی؛ مقدمه‌ای بر جهان بینی توحیدی؛ تهران: صدرا، ۱۳۷۲ ش.
- معین، محمد؛ فرهنگ معین؛ چاپ هشتم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۱ ش.

- مفید، محمد بن محمد؛ الإختصاص؛ قم، الموقر العالمی لالفیة الشیخ المفید، ۱۴۱۳ ق.
- مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه؛ تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
- منصور سبهر، روح اله؛ خدایناهی، محمد کریم؛ حیدری، محمود؛ «ناهماهنگی شناختی: تأثیر تمرکز بر خود بر تعدیل کنندگی عزت نفس در تغییر نگرش»؛ روان شناسی کاربردی، شماره ۶، پیاپی ۲۲، ۱۳۹۱ ش.
- مهدوی کنی، محمدرضا؛ نقطه های آغاز در اخلاق عملی؛ تهران: فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۹ ش.
- نوروزی، رضا علی؛ بدیعیان، راضیه؛ «الگوی روابط انسانی در تربیت دینی با تأکید بر سیره امام حسین علیه السلام»؛ اندیشه دینی، شماره ۳۳، ۱۳۸۸ ش.
- نیلی، محمدرضا؛ نظری، حسین؛ موسوی، ستاره؛ «عزت نفس و آثار تربیتی آن از دیدگاه قرآن و احادیث»؛ پژوهش های اجتماعی اسلامی، شماره ۱۰۵، ۱۳۹۴ ش.
- Koeing, H, G (2008), Religious attitudes and practices of hospitalized medically ill older adult. International Journal of Geriatric Psychiatry, 13(4), 2538-.
- Jennifer D, Johansen S (2020). Negotiating identity at the intersection of family legacy and present time life conditions: A qualitative exploration of central issues connected to identity and belonging in the lives of children of refugees. Journal of Adolescence. V 80, Pages 19-.

